

ادامه جنگ امپریالیست ها در سوریه و سرنوشت فراریان از آن

پلیس یونان بر خورد به مهاجرین "غیر قانونی" را شدت می بخشد.

جنگ امپریالیستی و ارتجاعی دولت های بزرگ کاپیتالیستی، این بیشترین آزادی و دموکراسی در سوریه اوج می گیرد و هر روز صدها نفر از انسانهای بیگناه و فلاکت زده را در لباس سرباز، پلیس و حتا مزدوران عربستان سعودی و آموزش دیدگان سیا (ارتش آزادی سوریه و دیگر نیروهای قومی و مذهبی) و بویژه مردم بی سلاح و بی دفاع را قربانی مطامع سرمایه در بحران گیر کرده، می کند. این جنگ که از دو طرف که دارای ماهیت یکسانی بعلت دارا بودن سیستم اجتماعی تقریب ان یکسان (سیستم سرمایه داری غارتگر "خون و چرک انسان" در شکل استثمار و تبدیل نیروی کار به ارزش افزوده و بعد سود) هستند، ارتجاعی و ضد منافع کارگر و زحمتکشان سوریه و منطقه و جهان است، یکی از اهداف اش تثبیت رهبری و سروری یکی از بلوک های سرمایه جهانی (آمریکا و متحدین ویا روسیه و چین و ایران) می باشد، تا کنون بی غیر بیش از صد و ۱۵ هزار کشته، باعث زخمی و آواره شدن صدها هزار بلکه میلیونها انسان بخت برگشته، گرسنه و بدون سر پناه در داخل و خارج از سوریه شده است.

در خبر زیر به نقل از یکی از ارگانهای خبری همین امپریالیست های متجاوز به حقوق و محل و خودزندگی انسانها(بی بی سی) می باشد، دولت یونان پلیس هایش را به شکار انسانهای بی پناه و فراری از مرگ گسیل داشته است و مرز هایش را بعنوان دروازه اتحادیه خیلی متمدن و انساندوست و خیر اروپا برای این پناهجویان فراری از سوریه، ایران و غیره بسته است و بر شدت عملیات شکار انسان افزوده است. دستگاه خبری امپریالیست ها که این روزها مهمان ورزشکاران از سراسر جهان که البته ورود چه گوارا را در شکل نام و عکس بر تی شرتهای تماشا چیان را نیز ممنوع کرده است، بدون هیچ دغدغه خاطر و نا راحتی وجدان ناداشته و شرم، اعلام می کند که پلیس یونان ۵۰۰۰ پناهجوی "غیر قانونی" تو بخوان فرار کرده از مرگ آفریده بوسیله جنگ و روی آورده به این "انسان دوستان" پفیوس و دورغگو و دو رو را دستگیر نموده است. این است ماهیت "وحشیگری سرمایه متمدن" در سال ۲۰۱۲ که گرامشی کمونیست ایتالیایی که دهسال از عمرش را، تا لحظات مرگ اش در تبعید و زندان موسولینی فاسیست سرمایه در ایتالیا گذاراند، نوشته بود.

حال باید از آقایان و خانم هائی که لباس کمونیست به تن می کنند و از یورش های امپریالیستی بنا به دلالتی مثلن بر اندازی دیکتاتورها و حکومت های مذهبی ارتجاعی و انسانکش دست ساز خودشان و غیره دفاع می کنند و از آنها بعنوان نه امپریالیست که با خود مفهوم متجاوز، جنگ طلب، خواهان دولت های ارتجاعی و ضد کارگر و ضد زن و ضد کودک، گندیده و متعفن، در ذهن شنونده و خواننده تداعی می کند، در نوشته و گفته های رادیو و تلویزیونی شان نام نمی برند و آنها را نه متجاوز بلکه نیروهای غربی که روزی و هم اکنون دارای فرهنگ برتر می دانسته و می دانند، سخن می گویند، پرسید، شرم نمی کنید؟، ولی مثل اینکه شرم نیز طبقاتی است. حداقل این نام را دیگر یدک نکشید و مانند عبدالله مهدی و خیلی های دیگر با نام دیگری این کار و این خیانت به توده های کارگر و خدمت به ولی نعمت تان را ادامه دهید.

و اما، باید چه کار کرد؟ به باور من، راه و چاره ای برای طبقه کارگر و مردم زجر دیده از جنگ و کشتار و قتل عام؛ فقر و نابسامانی اقتصادی و اجتماعی، بیکاری. آواره گی و خانه بدوشی چه در منطقه و جهان نیست، جز اینکه به نیروی خویش باور آورند و خود را در ارگانهای طبقاتی و توده ای متشکل کنند، به یکدیگر تکیه نمایند و به یکدیگر یاری رسانند و کیمیته های محل کار و زندگی به وجود آورند و در نهایت به دور آن نیروی اجتماعی گرد آیند که با توجه به نقش اش در تولید مایحتاج جامعه معاصر یعنی طبقه کارگر بزرگ جمع شوند، بدانیم که تا روزی که بی تشکلی هستیم، نا زمانی که طبقه کارگر از داشتن ارگان سیاسی خویش یعنی حزب سوسیالیست کمونیست اش محروم باشد، اوضاع زندگی مان روز بروز بدتر و نیستی و نابودی بیشتری ما را انتظار می کشد. به نظر من و در این شرایط و بویژه در جوامعی مانند سوریه، ایران و غیره که دیکتاتوری و خفقان سرمایه حاکم است، تشکیل چنین حزبی نیز بیشتر از همه از راه تشکیل کیمیته ها و ارگانهای مخفی و علنی می گذرد که کارگران سوسیالیست را به گرد هم جمع می کند و هم وسیله ای می شود تا فرزندان زحمتکشان، حاشیه نشینان، فقر زدگان و به اصطلاح اضافه های بدور ریخته شده ی این سیستم سرمایه داری، روشنفکران و هنرمندان مدافع زندگی انسانی به کارگران سوسیالیست - کمونیست دست رسی یابند و با آنها تنیده شده و در

تشکیل حزب کارگران سوسیالیست دخیل کردند. چنین حزبی با سیاست و استراتژی سوسیالیستی یعنی ادامه مبارزه طبقاتی بر علیه کلیه جناح های سرمایه و دولت های کاپیتالیستی چه امپریالیستی و غیره تا بر اندازی چنین دولت هائی و تشکیل دولت شورائی کارگران و زحمتکشان (دیکتاتوری پرولتاریا) وسیله نجات ما کارگران و زحمتکشان به طریق اولی نجات جامعه از بربریت سازمان یافته سرمایه داری عصر امپریالیسم است. و گر نه چه بسا که نابودی نسل بشر دور از انتظار نیست. بی رحمی و انسان ستیزی سرمایه را نهایی نیست! این را هم اکنون در سوریه ی جنگ زده و مهمان نوازی دولت و پلیس یونان بیش از هر جای دیگری می بینیم.

به متن خیر در این لینک توجه شما را جلب می کنم:

<http://asemandailynews.com/?p=97582>

حمید قربانی

۶ یولی ۲۰۱۲